

گفت‌وگوی صبا با فرناز زوفا بازیگر فیلم شکار حلزون

«شکار حلزون» یک استثنا بود

ندا روزبه
گفت و گو

از «شکار حلزون»، نقشی که در آن داشتید و دلیل پذیرفتن این نقش بر ایمن بگوئید.

علت قبول کردن بازی در «شکار حلزون» این بود که فیلمنامه آن برایم خیلی جذاب بود و نسبت به موضوعاتی که در این چند ساله در سینما کار می‌شود، موضوع بسیار متفاوتی داشت. نگاه خیلی نوبی که به مقوله عدالت داشت، برایم خیلی جذاب بود. چون احساس می‌کردم با وجود این که در آثار زیادی به مقوله بزهداری یا اعدام پرداخته شده، هیچ وقت هیچ کدام از فیلم‌سازهای مان نگاه متفاوتی به این موضوع نداشته‌اند و از زاویه دیگری به آن نپرداخته‌اند. مثلاً نسبت به خانواده‌هایی که یکی از افراد آنها اعدام می‌شود هیچ وقت به این خانواده‌ها بعد از این مصیبت‌هایی که برایشان پیش آمده نگاهی نداشته‌اند. همیشه داستان تا لحظه اعدام آن فرد روایت شده، اصلاً به بعد از آن و موقعیت خانواده فردی که اعدام شده، توجهی نشده. نقش «مینو» هم نقش اصلی این کار بود و من همیشه دوست داشتم که یک نقش این چنینی را ایفا کنم. شخصیتی که دچار چنین اتفاقات و درگیری‌هایی می‌شود و در عین حال یک زن قدرتمندی هم باشد. شخصیت مینو آن قدر شبیه نقشی که می‌خواستم بود که واقعا با خواندن فیلمنامه خیلی هیجان زده شدم.

به تفاوت شخصیتی که در «شکار حلزون» ایفاگرش بودید، اشاره کردید؛ از این تجربه متفاوت و مسیری که برای رسیدن به این نقش گذراندید؛ بگوئید.

حقیقتاً چون من خودم در یک سری زمینه‌های مرتبط به این مسائل اجتماعی فعالیت‌هایی دارم. مثلاً از خیلی قبل تر با یکی دو تا از این مؤسسه‌هایی که به خانواده‌های این چنینی می‌پردازند سروکار داشتم و خیلی مطالعه می‌کردم چه از نظر روان‌شناسی و روان‌شناختی شان چه از نزدیک با آنها گفت‌وگو می‌کردم. چندین سال بود که من این ارتباط را گرفته بودم؛ ولی خب موقعی که فیلمنامه را خواندم احساس کردم که انگار باز باید نزدیک تر شوم برای همین یک جلسات و یک سری رفت‌وآمدها آن هم به صورت نزدیک با این خانواده‌ها داشتم. یک چیزی حدود ۹ ماه من با این خانواده‌ها رفت‌وآمد کردم تا بتوانم حداقل یک درصد کمی در این حس و هوا باشم. البته بعدش برایم خیلی سخت تر بود به خاطر این که تأثیرات مخرب روانی زیادی برایم داشت. دچار افسردگی خیلی شدیدی شدم که فکر می‌کنم حدود یک سال و نیم درگیرش بودم. ولی خب آن قدر که این فیلم و فیلمنامه را دوست داشتم و دوست دارم همچنان، که با وجود همه اینها پیشیمان نیستم. واقعا فیلمسازی محسن جسور یک شاعرانگی خاصی دارد که من بعد از این که دیدم احساس کردم که می‌ارزید این همه اتفاقاتی که افتاد.

به جز بحث فیلمنامه، این فیلم انگار همه چیزش متفاوت بود. تمام عوامل پادل و جانشان در این پروژه حضور داشتند و زحمت می‌کشیدند. محسن جسور واقعا انسان شریف، بزرگ و هنرمند خلاق است. من کاملاً در طول مدت همکاری با او متوجه شدم که هر ارتباطی که با او شکل می‌گیرد به خاطر دل پاک او است. هر فردی که با این پروژه ارتباط می‌گرفت مصداق این جمله بود که همه هم کیش خودشان را جذب می‌کنند؛ واقعا احساس می‌شد که این اتفاق دارد می‌افتد؛ چون تک تک افراد گروه همه انرژی یک دست، یکرنگ و خوش قلب، بودند. این پروژه انگار خودش آدم‌های خودش را انتخاب کرده بود. از این لحاظ هم متفاوت تر از بقیه کارهاست. به نظر من «شکار حلزون» یک استثنا بود.

چه باز خوردی را برای «شکار حلزون» و نقش آفرینی خودتان، در جشنواره پیش بینی می‌کنید؟

نسبت به فیلم‌هایی که تا به الان متوجه شدم به جشنواره راه پیدا کرده‌اند که

همه‌شان هم قابل احترام‌اند؛ فکر می‌کنم بیشتر آن‌ها موضوع یکسانی دارند به جز دو، سه تا از فیلم‌ها به همین دلیل احساس می‌کنم که باز خوردمان متفاوت و خوب باشد. در مورد نقش خودم هم امیدوارم توانسته باشم آن حسی که باید را، درست انتقال داده باشم. در هر صورت من امیدوارم که هر اتفاقی که قرار است بیفتد، مثبت آن برای کل عوامل «شکار حلزون» باشد؛ چون احساس می‌کنم که این فیلم مستحق یک نگاه ویژه‌تری است.

«شکار حلزون» چه چیزی به فرناز زوفا اضافه کرد؟

«شکار حلزون» من را در زندگی عاقل تر کرد. به من یاد داد که در بعضی موقعیت‌های زندگی بایستم، صبر کنم و همیشه هر چیزی را به اصرار نخواهم. احساس می‌کنم «شکار حلزون» یک درس بزرگی در زندگی من داشت. این که به این درک برسم که وقتی یک کاری را انجام می‌دهم، تمام و کمال واگذارش کنم به خدا چون اگر که بخوام در روند آن کار دخیل شوم، نتایجش خیلی عجیب و غریب تر می‌شود و همین صبر را به من یاد داد.

حضور در جشنواره فیلم فجر چقدر برایتان اهمیت دارد؟

برای هر بازیگری مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌خواهد از کار هنری‌اش بگیرد؛ حضور در جشنواره فیلم فجر است. این حضور یک مهر تأییدی است برای به رسمیت شناختن آن بازیگر در جامعه هنری. واقعا یک جایگاهی است که خیلی از ما بازیگرها ۱۰-۱۵ سال شاید هم پیش تر داریم تلاش می‌کنیم که به این نقطه برسیم، به خاطر جایگاهی که خود جشنواره فجر دارد و جایگاهی که به هر بازیگر و هر هنرمندی می‌دهد.

حرف آخر؟

من هم از شما تشکر می‌کنم که برای سینما برای هنر و برای همه زحمت می‌کشید. تنها حرفی که می‌توانم بزنم این است که الان سینمای ما، هنر تصویر ما به یک جایی رسیده است که احساس می‌کنم باید خیلی خیلی فضا را برای نویسندگان و کارگردان‌های باز کنند. احساس می‌کنم نوآوری و نواندیشی در سینمای ما کم شده به خاطر این که در یک دور تکراری افتاده‌اند. همه ژانرها و همه کارها و همه سبک‌ها و به نظر من تا این چرخه شکسته نشود و فضای کار برای ورود هنرمندهای دیگر باز نشود واقعا دچار یک ایست هنری می‌شویم که دارد این اتفاق می‌افتد و من احساس می‌کنم که این تمام خواسته‌ها هنرمندی است که گمنام است و فعالیت می‌کند و منتظر این است یک مقدار به او فضای کار داده شود تا تمام آن خلاقیت و آن انرژی خود را در کار بیاورد. فکر می‌کنم همان انرژی‌ای که دارد همان خلاقیت و پتانسیل باعث می‌شود که چرخ‌های این هنر بچرخد و اتفاقات مثبتی بیفتد.

